

بررسی چالش های پیش روی فرآیند درس پژوهی در ایران و ارائه راهبرد برای مقابله با آن ها

میلاد ریحانپور^۱، انسیه شاکری^۲، فاطمه غلامی^۳، سهیلا اکبری^۴

^۱ دانشجوی کارشناسی ارشد تکنولوژی آموزشی؛ کارمند رسمی آموزش و پرورش.

^۲ کارشناس آموزش ابتدایی؛ کارمند رسمی آموزش و پرورش.

^۳ کارشناس آموزش ابتدایی؛ کارمند رسمی آموزش و پرورش.

^۴ کارشناس آموزش ابتدایی؛ کارمند رسمی آموزش و پرورش.

نام نویسنده مسئول:

میلاد ریحانپور

چکیده

مواجهه با استرس با شدت و زمان های مختلف، تاثیرات متفاوتی ایجاد می کند. هدف پژوهش حاضر تعیین چگونگی تاثیر استرس حاد بر یادگیری در دو جنس نر و ماده موش های سوری نژاد NMRI (۲۰-۲۵ گرم) در مدل یادگیری احترازی غیرفعال است. در این مطالعه تجربی، ۶۴ سر موش نر و ماده به صورت مجزا، بطور تصادفی در گروه های ۸ تایی شامل گروه کنترل و گروه های استرس حاد قرار گرفتند. در تمام گروه ها معیار میزان حافظه، زمان تاخیر ورود حیوان به محفظه تاریک دستگاه تست بود. جهت تجزیه و تحلیل داده ها از آزمون واریانس، t همبسته و آزمون تعقیبی توکی استفاده شد. نتایج نشان داد که ۳۰ دقیقه محدودیت حرکتی در استرس حاد، بلافاصله قبل از آموزش آزمون یادگیری، سبب افزایش معنادار عملکرد یادگیری می شود ($P < 0.01$). با افزودن غوطه وری موش ها در آب سرد به استرس محدودیتی، استرس تشدید و یادگیری دچار اختلال ($P < 0.01$) شد. یافته های تحقیق حاضر نشان داد که استرس بسته به میزان و زمان وقوع، نقش مهمی در تعدیل فازهای مختلف یادگیری اطلاعات تازه آموخته دارد.

واژگان کلیدی: درس پژوهی، ایران، چالش، راهبرد.

مقدمه

امروزه پیشرفت هر جامعه، در گرو توان آموزشی آن جامعه بوده و کارایی هر نظام آموزشی را با سنجش میزان دستیابی دانش آموختگان آن نظام، به هدف های آموزشی، می توان برآورد نمود. آموزش در حقیقت فرایند از پیش تعیین شده با اهداف خاصی است که بین یک فرد متبحر از لحاظ علمی و عملی در آن زمینه و تعدادی فراگیر صورت می گیرد و هدف اصلی آن، یادگیری می باشد؛ هرچند که یادگیری مقوله وسیعی است، اما با هدایت صحیح می توان به این مهم در راستای اهداف تعیین شده، دست یافت (وانوپیا، ۲۰۱۳). اکنون در این دنیای متغیر، نظام های آموزش جهت بقا خود ناگزیر از ارتقای کیفیت هستند و از آنجایی که کیفیت با توجه به نیازهای هر جامعه تعریف می شود و این نیازها در حال تغییر دائمی هستند، برای پاسخگو بودن به این نیازها و همچنین سازگاری و تطابق با پویایی علوم، رشد و تغییرات روز افزون دانش بشری، توسعه سریع فناوری های اطلاعات و ارتباطات و همچنین حرکت جوامع به سمت جوامع دانش و پژوهش محور باید، تحول را سرلوحه ی اقدامات خویش قرار دهند. به عبارت دیگر، نظام های آموزشی بدون تحول ساختاری متناسب با زمان و سایر تغییرات پیرامونی به منظور دستیابی به اهداف نظام آموزش در خیزش به سمت جهانی شدن، راه به جایی نخواهند برد. تحولات صورت گرفته در ده های اخیر نیز متأثر از همین عوامل بوده است؛ از این رو، روند تحولات در دنیا، اصلاحات آموزشی را امری اجتناب ناپذیر و جهانی ساخته است.

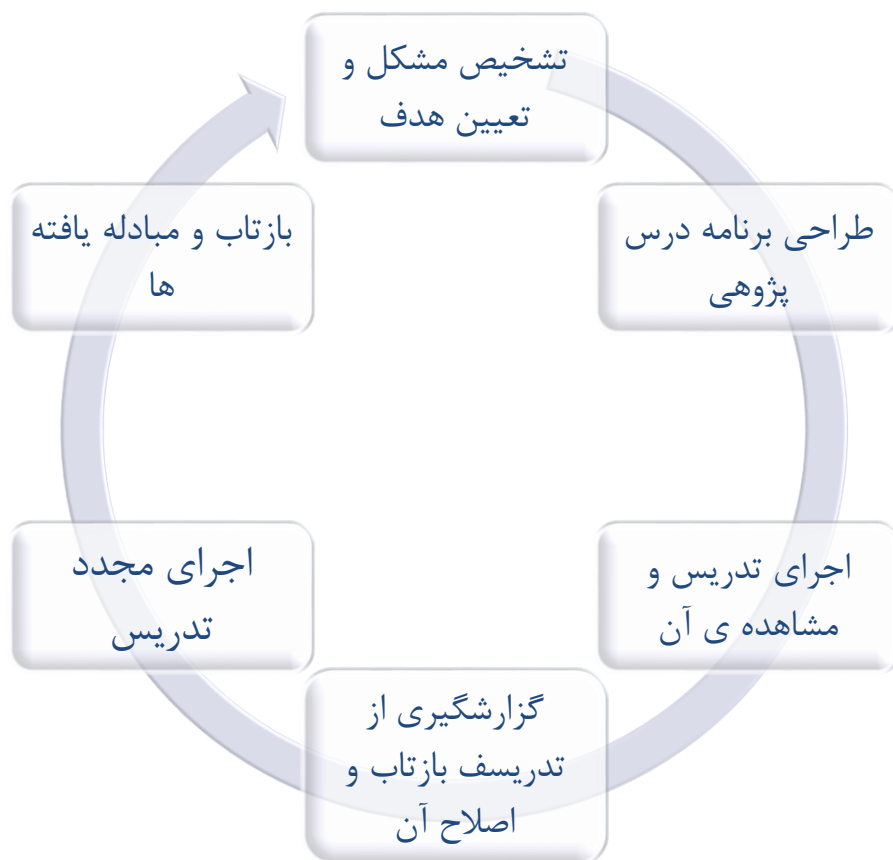
از چین تا امریکا، از انگلیس تا کشورهای حوزه ی خلیج فارس و تا اقیانوسیه و از آفریقای جنوبی تا ژاپن، همه جا، شوق تغییر و آهنگ تحول در آموزش دیده می شود. بیشترین توجه برنامه های اصلاحات آموزشی، به توانمندسازی معلم و غنی سازی فرایند آموزش و یادگیری است (کامیابی، ۱۳۹۱). یکی از عناصر کلیدی در بسیاری از این اصلاحات، توسعه حرفه ای معلمان است. جوامع به این نکته اذعان می کنند که معلمان نه تنها یکی از متغیرهایی هستند که در جهت بهبود سیستم های آموزشی باید خود را تغییر دهند، بلکه آنها همچنین از مهمترین عوامل تغییر در این اصلاحات آموزشی می باشند (ریمرس، ۲۰۰۳). استیگلر و هیبرت (۱۳۸۴)، نیز بر نقش معلم در امر اصلاحات تاکید دارند و معتقدند که ایالات متحده نمی تواند برای بهبود آموزش برنامه ای اجرا کند، مگر این که معلمان و سایر عوامل مهم در آن مشارکت فعال داشته باشند و اگر همکاری معلمان برای بهبود روش های آموزش جلب نشود، عاقبت تأسفباری در انتظار است.

مشارکت و همکاری به عنوان یک عامل اساسی در توسعه حرفه ای معلمان مورد توجه قرار گرفته است. فرایندی که این مشارکت را با تمرکز بر اهداف خاصی عینی می سازد را درس پژوهی اطلاق می کنند (نگانگ و دیگران، ۲۰۱۵). درس پژوهی شکلی اولیه ای از رشد حرفه ای معلمان در ژاپن است. هدف آن بهبود مستمر تدریس (آموزش) است، به گونه ای که دانش آموزان بتوانند مطالب بیشتری را بیاموزند. تمرکز اولیه آن نیز بر نحوه تفکر و یادگیری دانش آموزان است. تمرکز اصلی این روش، چنانکه استیگلر و هیبرت (۱۳۸۱)، در «شکاف آموزشی (یادگیری)» اشاره کرده اند، تدریس است، نه معلمان، کار کردن دانش آموزان است، نه کار کردن معلمان. ملاک سنجش درموفقیت "درس پژوهی" یادگیری معلمان است نه تولید یک درس. تهیه دروس بهتر نتیجه جانبی و ثانویه فرایند است، اما نه هدف اولیه ی آن (بختیاری، ۱۳۸۷).

درس پژوهی به زبان ساده مطالعه و پژوهش جمعی پیرامون عمل تدریس است. بعنوان یک معلم حرفه ای بیا و در روش تدریس خود تأمل کن! حتما روش بهتری برای تدریس وجود دارد. به این ترتیب شما گام در مسیر درس پژوهی نهاده اید روشی که پایه توسعه مستمر حرفه ای شماست و شما را در مسیر یک معلم حرفه ای و فکور به حرکت وا می دارد (بهادری، ۱۳۹۱). در این روش، خود را در چرخه ی بهبود تدریس که بر برنامه ریزی، مشاهده و اصلاح طرح درس متمرکز است درگیر می کنید. زمانی که معلمان به تدریس مشغول اند، فرصت کمی برای چنین تمرکزی دارند. بررسی چگونگی تفکر و یادگیری دانش آموزان بخشی از درس -پژوهی است که در آن معلمان، بیشتر متوجه احساسات دانش آموزان می شوند (استیپانک و همکاران، ۰). رشد و توسعه همه جانبه معلمان، به عنوان بخشی از زندگی آنان، برای درک مفهوم بلوغ و غنی سازی تجارب آموزشی آنان نیز اهمیت دارد. بیشتر معلمان ژاپنی، آموزش و یادگیری را عملی مشارکتی می دانند و معتقدند بهترین راه بازآموزی معلمان، فراهم ساختن فرصت های یادگیری است تا ایده ها و تجارب را به اشتراک بگذارند و باز اندیشی عمل عمل تربیتی را از طریق بحث در گروه های کوچک یادگیری و شبکه های کاری مرتبط انجام دهند (بختیاری و مصدقی نیک، ۱۳۹۴).

در فرایند درس پژوهی، گروهی از معلمان که درس واحدی را آموزش می دهند مشترکاً به طراحی درس خود می پردازند. در این کار می کوشند تا بهترین شیوه آموزش آن درس را تهیه کنند. سپس یکی از اعضای گروه همان درس را که مورد مطالعه قرار گرفته و برای آن طرح تهیه شده است تدریس می کند و بقیه اعضای گروه او را مورد مشاهده قرار می دهند. اعضای مشاهده کننده، فعالیت های آموزشی همکار خود و تلاشها و تکالیف دانش آموزان را به دقت مورد بررسی قرار میدهند و نظرات و پیشنهادهای خود را یادداشت می کنند. پس از اتمام تدریس معلم، همه معلمان دور هم جمع می شوند و داده های جمع آوری شده از راه مشاهده را تحلیل می کنند و آموخته ها و پیشنهادهای خود را مطرح می نمایند. گام بعدی این است که با توجه به پیشنهادهای داده شده طرح درس را مورد بازنگری قرار می دهند و ضمن رفع نواقص بر غنای آن می افزایند. باز هم به آموزش درس اقدام می شود، اما این بار به وسیله عضو دیگری. این کار تا زمانی که همه اعضای گروه از موفقیت طرح درس و درستی اجرای آن مطمئن شوند، ادامه مییابد (لوئیس، ۲۰۰۲).

یک دوره سبک درسی پژوهی در شکل زیر آمده است.



شکل ۱: چرخه ی درس پژوهی

پژوهش ها نشان می دهند که درس پژوهی یکی از اثربخش ترین فرآیندهای توانمندسازی معلمان برای یاری رساندن به خود و همکاران برای «یادگیری حین عمل»، غلبه بر ترس از تغییر، ترویج خلاقیت و تفکر انتقادی و به آزمایش درآوردن پیش فرض های ذهنی است؛ از این رو، می توان گفت که درس پژوهی در ایجاد سازمان یادگیرنده و فرهنگ سازی آن نقشی بی بدیل دارد؛ چراکه معلمان دائماً در حال یادگیری، فرضیه سازی و آزمایش فرضیه ها هستند (هیبرت و موریس، ۲۰۱۲).

یافته های پژوهش نشان داد که درس پژوهی با تأثیر در چند زمینه موجب توسعه حرفه ای معلمان می شود: آموزش و یادگیری متمرکز و مستمر، افزایش اعتماد حرفه ای، تفکر مشارکتی و هم فکری با همکاران و کارشناسان، و بهبود فرآیند یاددهی-یادگیری. آنان درس پژوهی را بر سه حوزه اصلی توسعه حرفه ای معلمان-از دیدگاه گرت و همکاران مؤثر می دانستند؛ این سه حوزه عبارتند از: دانش معلم، مهارت های معلم و روش تدریس معلم. همچنین آنان همکاری کارشناسان دانشگاهی و معلمان را از عوامل موفقیت در درس پژوهی معرفی کردند (راک و ویلسون، ۲۰۰۵).

ارزیابی داده های پژوهشی دکتر سرکارآرانی (۱۳۸۹)، در کشورهای آمریکا، سنگاپور، هنگ کنگ، چین، انگلستان و جمهوری اسلامی ایران نشان میدهد که درس پژوهی مدلی اثر بخش برای خلق محیط شوق انگیز برای یادگیری در مدرسه است. بر درس پژوهی علاوه فرآیند یادگیری جمعی، چرخه عمل « برنامه، عمل، بازبینی، و بازاندیشی»، برای بهسازی مستمر، فرصتی برای سهیم شدن کارگزاران آموزشی در تجربه های یکدیگر را فراهم می سازد و به عنوان پیش برنده تغییر و ابزار موثر بهبود مستمر آموزش در مدرسه است. درس پژوهی به گسترش ارزش ها و گفتگوی حرفه ای با خود و دیگران، به رسمیت شناختن گرایش های مختلف و تنوع قابلیت های افراد، تأکید بیشتر بر خودگردانی امور، خود پایداری تغییر، خود بازاندیشی عمل و خودآموزی و ترویج فرصت های اختیار و مسوولیت برابر در مدرسه، در مدارس کمک می کند.

با توجه به موارد بالا، فرآیند درس پژوهی در کنار مزیت های فراوانی که دارد، همواره خود را با چالش هایی روبرو می بیند که پرداختن به آن، از اهمیت و ضرورت بالایی در راستای توسعه، بهبود و گسترش درس پژوهی، برخوردار است؛ از این رو و همچنین با توجه بر تأکیدات

سند تحول بنیادین مبنی بر جنبه های خلاق پژوهشی که موجب پیشرفت و تعالی حرفه ای معلمان و دانش آموزان می شود، هدف از مطالعه پیش رو، بررسی چالش های پیش روی فرآیند درس پژوهی و ارائه راهبرد برای مقابله با آنها، می باشد.

روش

در راستای پاسخگویی به مساله اصلی نوشتار، یعنی بررسی چالش های پیش روی فرآیند درس پژوهی در ایران و ارائه راهبرد برای مقابله با آنها، از روش پایه ای « تحلیل استدلال ها عقلانی با تکیه بر مطالعات کتابخانه ای»، استفاده شده است.

بحث

از مهمترین چالش های پیش روی درس پژوهی، می توان به موارد ذیل اشاره نمود.

➤ رقابتی شدن درس پژوهی : متأسفانه در زمینه درس پژوهی راه را به اشتباه رفته ایم و در واقع هدف گم شده است؛ شاید یکی از مهمترین دلایل آن ورود این سبک از پژوهش به ورطه رقابت باشد. زمانی که هدف یک پژوهش گروهی که باید بر اساس و ریشه گرفته از نیاز درونی باشد و در جهت حل مساله و رشد و توسعه معلمی باشد، صرفاً به رقابت های بی اساس و ناسالم تبدیل شود، بی تردید راه گم می شود و همچنان حرکت در گمراهی ادامه می باید. فرآیند درس پژوهی در مدارس کشور ما با این روندی که پیش می رود، نه تنها نمی تواند بستر ساز کار تیمی، مشارکت، توسعه حرفه ای، حل مساله، بهبود کیفیت آموزش و تحقق رسالت های آموزش و پرورش باشد، بلکه چالش های جدید نیز با خود به ار مغان می آورد. اجرای مسابقات درس پژوهی در سطوح خرد و کلان، فی نفسه مشکلی ندارد، اما چگونگی و نحوه آن چالش هایی را به دنبال دارد.

➤ تشنگی رقابت به جای احساس نیاز درونی : شوربختانه کمتر شاهد آن هستیم که معلمی یا گروهی از معلمان بر سر احساس نیاز و حل مساله به درس پژوهی روی آورند و و پیرامون آن زمان بگذارند و هزینه کنند. بهتر است فضایی ایجاد شود تا معلمان بر اساس نیاز درونی خود به مشورت و تبادل نظر به این مهم بپردازند. یکی از راهبردها در این زمینه این است که مدیر مدرسه بتواند این امر را با درایت و تجربه خود مدیریت کند؛ برای مثال از رقابت و مقایسه همکاران هم پایه بپرهیزد و آنها را به هم فکری دعوت نماید، اجرای فعالیت ها و طرح های مختلف کلاس های هم پایه را تا حد امکان ادغام و مشترک نماید و رقابت را بر اساس مشارکت معلمان هم پایه در یک پایه، با مشارکت معلمان هم پایه در پایه های دیگر قرار دهد. البته راهبرد چند معلمی در این زمینه، تأثیر بسزایی دارد. بهتر است به جای توجه به رقابت، نمره ارزشیابی به معلمان درس پژوه هم پایه (حتی در صورت همکاری و به اشتراک گذاری اطلاعات و تجربه ها؛ حتی در صورت اجرای روش مند آن در سطح پایین) اختصاص یابد؛ چون این عمل بیشتر انگیزه بیرونی است تا رقابت و مسابقه.

➤ تشکیل اجباری تیم های درس پژوهی با وجود حداقل دو معلم هم پایه : با اینکه بهترین روش درس پژوهی، مشارکت معلمان هم پایه با یکدیگر است، اما ما شاهد آن هستیم که بنا بر رقابتی که وجود دارد، شرایطی ایجاد می شود تا به هر قیمتی، یک گروه درس پژوهی در یک مدرسه تشکیل شود. حتی ممکن است مدرسه ای معلم هم پایه داشته باشد، اما شرایط را به گونه ای تغییر می دهند که گروه شکل بگیرد. اغلب دیده می شود که در گروه ها فقط معلمان هم پایه فعالیت آموزشی و حل مساله ای دارند و بقیه به کارهای جانبی نظیر تایپ، فیلمبرداری، جمع آوری پیوست ها و... مشغولند؛ البته این امر در نوع خود بسیار خوب است که همکاری بدین گونه صورت گیرد و حتی کسب تجربه آموزشی اتفاق بیفتد، اما هدف درس پژوهی مشارکت در راستای توسعه حرفه ای خود می باشد. از این رو بهترین راهبرد در این زمینه گسترش دامنه تشکیل گروه می باشد؛ یعنی مدارس همجوار، یا مدرسی که در یک قطب یا منطقه قرار دارند، با مشارکت یکدیگر به درس پژوهی اقدام نمایند. معلمان هم پایه مدارس همجوار در قالب یک پروژه درس پژوهی به تبادل نظر و اشتراک اطلاعات بپردازند. این مهم در علمی شدن فرآیند درس پژوهی نیز موثر می باشد که در بخش های بعدی بدان می پردازیم.

➤ تشکیل تیم های در مدرسه بر اساس حد نصاب و رقابت برای حضور در تیم درس پژوهی که گاه منجر به کشمکش می شود : مطابق شیوه نامه درس پژوهی در هر مدرسه فقط باید دو گروه ۶ نفری تشکیل شود؛ گروه اول با مدیریت مدیر آموزشگاه و گروه دوم با مدیریت معاون آموزشی. در برخی مواقع از این طرح استقبال نمی شود (بنا به دلایل متعدد) و مدیر مجبور است برای اینکه از رقابت با سایر مدارس عقب نماند، همکاران را مجبور به شرکت در این فرآیند نماید. از طرفی نیز در برخی دیگر از مدارس به دلیل استقبال زیاد، گروه اول پر می شود و گروه دوم تشکیل نمی شود و همین امر موجب بروز اختلاف در بین همکاران برای قرار گرفتن در گروه درس پژوهی می شود (البته کمتر برای توسعه حرفه ای و بیشتر به دلیل جنبه رقابتی). این مهم پیامدهایی زیادی نظیر کار شکنی، جبهه گرفتن در مقابل یکدیگر، زیر سوال رفتن اصل درس پژوهی و موارد این چنینی می شود. برای یافتن بهترین راهبرد برای مقابله با چنین امری، باید مشکلات

قبلی رجوع کرد؛ به عبارت دیگر تشکیل گروه درس پژوهی با حداقل معلمان هم پایه و همچنین توجه به رقابت، موجب بروز چنین معضلی می شود. پس بهتر است رقابت را کاهش داد و گروه های درس پژوهی از معلمان هم پایه مدارس همجوار و یا منطقه تشکیل شود.

➤ توجه بیش از حد بر گزارش و شیوه گزارش نویسی به جای تاکید بر کیفیت فرآیند و مشکل گشایی پروژه: یکی دیگر از مهمترین چالش های درس پژوهی، توجه بیش از حد به گزارش نویسی می باشد. در کنار مشکلاتی که مطرح شد، گاه هدف در همان رقابت پوشالی و واهی نیز گم می شود. آنقدر به گزارش کتبی و نهایی توجه می شود که جای هدف و وسیله تغییر می کند؛ به عبارت دیگر گزارش کتبی که وسیله ای برای رسیدن به فرآیند و اهداف درس پژوهی می باشد، خود به هدف اصلی برای رقابت تبدیل می شود. اینجاست که توانایی نگارش و کیفیت فیلمبرداری می شود معیار سنجش درس پژوهی! گاه کار به جایی می رسد که نوشتن پیشوند و یا پسوند در امتیازها تاثیر دارد؛ یا گروهی که توانایی هزینه کردن برای فیلمبرداری با کیفیت را ندارند، نباید به این ورطه ورود نماید. اینگونه از توجه به روش ها، کیفیت تدریس و طرح درس، تاثیرات یادگیری، ماندگاری و تعمیم نتایج تا حدودی کاسته می شود. قرار دادن مولفه های مختلف، در هر سال برای ارائه گزارش نیز، تا حدودی به این امر دامن می زند. بهترین راهبرد برای این مهم، تجدید نظر در فرم ها و ملاک های داوری می باشد که حداقل اگر قرار است رقابتی هم صورت گیرد، سالم و بر اساس عدالت باشد. البته از اهمیت چگونگی ارائه نتایج نباید غافل شد، اما باید توجه اصلی به کیفیت و حل مساله باشد.

➤ احساس شکست و ضعف گروه ها در صورت انتخاب نشدن و گاه بروز ایجاد احساس تنفر افراد نسبت به این پژوهش: در صورت پیروز نشدن گروه درس پژوهی در یکی از سطوح این رقابت، گروه احساس ضعف و شکست می کند و همه فعالیت های خود را پوچ می پندارند؛ چرا که به ماهیت و اهداف درس پژوهی توجهی ندارند و فقط به موفقیت در رقابت ایجاد شده می اندیشند. به همین دلیل هم می باشد که اغلب مدارس در طول سال فقط یک بار به این پژوهش می پردازند، آن هم در قالب مسابقه درس پژوهی. از چگونگی و ضعف های این مسابقات که بگذریم، تاثیرات ناشی از عدم موفقیت در رقابت، گاه موجب بدبین شدن و تاثیرات سوء نسبت به این روش پژوهش می شود، به طوری که معلم، از اجرای دوباره آن در هر شکل و سطحی، اجتناب می کند. بهترین راهبرد برای این چالش، زمینه سازی برای آگاهی علمی و درک بیشتر معلمان نسبت به این پژوهش می باشد، به طوری که آنها با توجه به اهمیت و ضرورت این مهم، احساس نیاز درونی کنند. بهتر است اهمیت به این پژوهش در سطح آموزگاه افزایش داده شود و اهمیت و توجه به رقابت در سطح کلان، کاهش یابد. در واقع افراد با رعایت چارچوب و گام درس پژوهی به این عمل، اقدام نمایند و در صورت موفقیت و مشکل گشایی در فضایی که از قبل در سطوح استانی و کشوری پیش بینی می شود، به اشتراک بگذارند.

➤ عدم توجه به مسائل و چالش های درسی در نیمه دوم کتب به دلیل زمانبندی در اجرای آن: مطابق با شیوه نامه درس پژوهی و رقابت های آن، باید تقریباً تا بهمن ماه هر سال، خاتمه یابد و البته مطابق با بودجه بندی نیز باشد. با توجه به اینکه اغلب درس پژوهی فقط در قالب مسابقه و یک بار در سال صورت می گیرد، این امر موجب می شود مسائل و معضلاتی که بعد از زمان بندی پیشنهادی قرار دارد، از چرخه ی توجه خارج شود و از منظر حل مساله دور بماند؛ بهترین راهبرد برای مقابله با این چالش بهتر است این فرآیند در طول سال تحصیلی در صورت نیاز و الزام در سطح مدرسه اجرا شود و نه فقط یک بار و برای مسابقه. راهبرد چالش بعدی نیز در این امر، متمرکز خواهد بود.

➤ انتخاب موضوع و مساله درس پژوهی: یکی از چالش های پیش روی درس پژوهی در کشور ما، چگونگی انتخاب مساله اصلی درس پژوهی می باشد؛ این در حالی است که طرح سوال پژوهشی، گام اول و اصلی در این فرآیند می باشد. ممکن است چگونگی ارائه یک درس به فراگیران، برای یک معلم یک معضل باشد و ممکن است برای دیگری قوت؛ به عبارت دیگر تشخیص مساله توسط معلم، تا حدود زیادی به توانایی ها و ضعف های او بستگی دارد. یعنی امکان دارد معلمی به مساله را انتخاب کند که برای خود و گروه در پژوهی اش، مهم باشد؛ اما پس از کار از دید داوران مهم نباشد و مهم تلقی نشود. راهبرد زیر برای این مهم، تا حدودی موثر خواهد بود.

در ژاپن، کمیتهایی برای هماهنگی برنامه های درسی و مسائل مربوط به بهسازی آموزش در هر مدرسه وجود دارد. سرفصل مسائلی که این کمیته براساس بازبینی نتایج برنامه های آموزشی یک سال تحصیلی ارائه می دهد، موضوع پژوهشی معلمان در مدرسه را تعیین می کند. مهمترین پرسش های پژوهشی در این مرحله با کالبد شکافی فرایندهای عمل آموزش و یادگیری و عوامل مؤثر بر آنها و ارزیابی هدف های آموزشی تعیین شده است، اولویت بندی می شود و در اختیار افراد قرار می گیرد برای اجرای فرآیند درس پژوهی. بهتر است مسائل از نظر کمیته پژوهشی مدرسه مهم باشد.

➤ عدم آگاهی و درک افراد از اهمیت فرآیند درس پژوهی: یکی از چالش های دیگر درس پژوهی که بی ارتباط با معضل قبلی، یعنی رقابتی شدن، نیست؛ عدم آگاهی علمی، عملی و درک مناسب نسبت به فرآیند درس پژوهی می باشد؛ شاید پایه ای ترین چالش، همین امر باشد. از این رو مهمترین راهبرد برای مقابله با این چالش، برگزاری جلسات توجیهی برای مدیران و معلمان به منظور درک بیشتر این پژوهش و همچنین تغییر نگرش نسبت به آن، نه برای چگونگی شرکت در مسابقه درس پژوهی. ایجاد فضایی برای به اشتراک گذاشتن تجارب و

اطلاعات پیرامون درس پژوهی، تهیه و ارائه بسته های آموزشی ویژه درس پژوهی و مجهز کردن مدارس به تکنولوژی در این مهم، موثر می باشد.

➤ حضور فیزیکی ناظرین در درس پژوهی : از دیگر مشکلات درس پژوهی، می توان به حضور فیزیکی ناظرین و راهنمایان در امر درس پژوهی می باشد که تا حد زیادی بر فرآیند یادگیری - یاددهی موثر است. یکی از بهترین راهبردها برای حل این معضل، استفاده از روش دلفی برای نظرسنجی پیرامون طرح یادگیری درس پژوهی می باشد؛ بدین منظور، گروه درس پژوهی، طرح خود را برای اساتید و افراد خبره و با تجربه ارسال نمایند و نظر کلی خود آن ها دریافت کنند. راهبرد دیگر، دیدن فیلم تدریس، توسط افراد با تجربه و ارائه نظرات می باشند؛ اینگونه دیگر نیازی به حضور فیزیکی ناظرین و راهنمایان نمی باشد.

➤ عدم سخت گیری علمی : یکی دیگر از مسائل پیرامون درس پژوهی که به مثابه یک چالش به نظر می رسد، عدم سخت گیری علمی در این نوع پژوهش است؛ شاید یکی از دلایلی که اعتبار و ارزش چندانی از منظر علمی به آن داده نمی شود، همین موضوع می باشد. تلاش ها و فعالیت های زیادی در ارتباط با اجرای روشمند فرآیند درس پژوهی صورت می گیرد که با اندکی تامل و تغییر پژوهشی در آن می توان علاوه بر افزایش اعتبار آن، رویکرد علمی به این نوع پژوهش بخشید. یکی از بهترین روش های پژوهشی که می توان در قالب درس پژوهی، اجرا کرد و اتفاقاً از اعتبار و ارزش علمی بسیار بالایی نیز برخوردار است، روش آزمایش می باشد؛ روشی که در آن با استفاده از انتخاب گروه های نمونه و شاهد، پژوهشی با بالاترین کیفیت صورت می گیرد. در این مهم کفایت تا دو گروه نمونه و شاهد را به صورت اصولی نمونه گیری نماییم و طرح درس طراحی شده در فرآیند درس پژوهی را پس از اصلاح نهایی، بر گروه نمونه اعمال نماییم و اثرات یادگیری را بر دو گروه شاهد و نمونه، با یکدیگر مقایسه کنیم؛ یا این کار، نتایج بدست آمده از درس پژوهی، به راحتی قابل تعمیم می باشد. از مهمترین چالش هایی که منجر می شود درس پژوهی فاقد سخت گیری های علمی باشد، می توان به عدم نمونه گیری مناسب و علمی، عدم کنترل متغیرها و در نهایت عدم تعمیم یافته ها، اشاره کرد.

➤ عدم نمونه گیری مناسب برای اجرای درس : به طور کلی روش های زیادی برای نمونه گیری وجود دارد که متاسفانه درس پژوهی از یکی از روش های کم اعتبار، برای ارزیابی فرآیند خود انتخاب می کند. روشی که برای نمونه گیری در درس پژوهی استفاده می شود، روش غیر احتمالی و از نوع افراد قابل دسترس می باشد؛ بدین گونه که از افراد قابل دسترس آموزشگاه، استفاده می شود. برای نمونه از دانش آموزان موجود در یک پایه، به عنوان گروه نمونه پروژه درس پژوهی، استفاده می شود.

بهترین راهبرد برای مقابله با این چالش، استفاده از روش نمونه گیری اصولی و علمی در این نوع پژوهش است؛ بهترین و موثر ترین روش، روش خوشه ای می باشد که البته باید دامنه جامعه مورد مطالعه را از سطح آموزشگاه، به سطوح بالاتر مانند مدارس همجوار، قطب، یا منطقه تغییر داد. شاید به نظر کار سختی بیاید، اما اداره آموزش و پرورش محلی و همچنین کادر اجرایی مدارس می توانند با کمک یکدیگر، به این مهم، جامه عمل بپوشانند. در این شرایط معلمان همپایه مدارس همجوار یا منطقه نیز می توانند گروه های درس پژوهشی مشترک انجام دهند تا مجبور نباشند تا با همکاران غیر هم پایه خود، در یک گروه قرار گیرند. در روش نمونه گیری خوشه ای، دو گروه (یکی نمونه و دیگری شاهد)، به صورت تصادفی تصادفی از گروه ها یا خوشه هایی از افراد و نه واحدهای منفرد گرفته می شود؛ به عبارت دیگر واحدهای نمونه گیری خوشه هایی هستند، نظیر مدارس. برای مثال اگر بخواهیم از بین دانش آموزان پایه ششم دبستان های پسرانه شهرستان کوار، دو نمونه برای اجرای تدریس در فرآیند درس پژوهی انتخاب نماییم، ابتدا لیست تمام مدارس ابتدایی پسرانه کوار که پایه ششم دارند را تهیه کرده و سپس به صورت تصادفی چند مدرسه را از بین آنها انتخاب و دانش آموزان را بر اساس تعداد نمونه ای که می خواهیم، به صورت تصادفی انتخاب می کنیم. تعداد خوشه ها، صرفه جویی در وقت و هزینه و جلوگیری از پراکنده بودن نمونه های انتخاب شده در سطح شهر یا منطقه است.

➤ عدم کنترل متغیرها : چالش دیگر، عدم کنترل متغیرهاست که می تواند بر نتیجه پژوهش تاثیر بگذارد، عدم کنترل متغیرهاست. در اکثر فرآیند های درس پژوهی، با توجه به شرایط پایه تحصیلی و جنسیت، کنترل می شود. ولی سایر متغیرها، نظیر متغیرهای هوش، سطح سواد والدین، نقش معلم، خانواده و ... قابل کنترل نیست که با روش نمونه گیری اصولی (در اینجا منظور خوشه ای)، این متغیرها قابل کنترل است. با اجرای روش آزمایشی و در پی آن روش نمونه گیری خوشه ای و کنترل متغیرها، یافته ها به راحتی قابل تعمیم نیز می شوند.

نتیجه گیری

با توجه به آنچه گذشت، فرآیند درس پژوهی در کنار فواید و مزایای فراوانی که دارد، همواره خود را با چالش هایی روبرو می بیند تا حدود زیادی بر کیفیت این روش پژوهشی، تاثیر می گذارد. مهمترین چالش ها در این زمینه در دو دسته کلی رقابتی و مسابقه ای شدن درس پژوهی و همچنین عدم سخت گیری علمی، قابل تفکیک اند. درس پژوهی در راستای رقابتی شدن خود را در بند مشکلاتی همچون تشنگی رقابت به جای احساس نیاز درونی، تشکیل اجباری تیم های درس پژوهی با وجود حداقل دو معلم هم پایه، تشکیل تیم های در مدرسه بر اساس حد نصاب و رقابت برای حضور در تیم درس پژوهی که گاه منجر به کشمکش می شود، توجه بیش از حد بر گزارش و شیوه گزارش نویسی به جای تاکید بر کیفیت فرآیند و مشکل گشایی پروژه، احساس شکست و ضعف گروه ها در صورت انتخاب نشدن و گاه بروز ایجاد احساس تنفر افراد نسبت به این پژوهش، عدم توجه به مسائل و چالش های درسی در نیمه دوم کتب به دلیل زمانبندی در اجرای آن، انتخاب موضوع و مساله درس پژوهی، عدم آگاهی و درک افراد از اهمیت فرآیند درس پژوهی و حضور فیزیکی ناظرین در هنگام تدریس، می باشد که کاهش رقابت، اهمیت مسابقه، تشکیل گروه های درس پژوهی مدارس همجوار، کاهش رقابت و افزایش رفاقت در بین معلمان هم پایه، اجرای متعدد این پژوهش در سطح آموزشگاه حتی در گروه های کوچک، تلاش برای درک اهمیت و احساس نیاز معلمان نسبت به درس پژوهی و سایر راهبردهای ارائه شده در متن، بهترین راهکار برای مقابله با این چالش می باشند. همچنین معضل کلی دیگر درس پژوهی، یعنی عدم سخت گیری علم، با اجرا و اقدام صحیح روش پژوهشی آزمایش با فرآیند درس پژوهی، این مهم تا حدود زیادی، قابل پوشش می باشد؛ راهبردهایی نظیر اعمال روش آزمایش بر تدریس نهایی، اصلاح شیوه نمونه گیری و استفاده از روش خوشه ای، کنترل متغیرهایی که بر روش تدریس نقش دارند و سایر راهبردهای موجود در بحث می تواند تا حدود زیادی به فرآیند درس پژوهی جنبه و اعتبار علمی ببخشد و به راحتی موجب تعمیم نتایج و در نهایت بهبود کیفیت درس پژوهی شود.

منابع و مراجع

- [۱] اسدی فرد، پروین (۱۳۹۲). «تجربه های جهانی درس پژوهی». دانشگاه شیمی، دانشگاه سمنان.
- [۲] حبیب زاده، عباس (۱۳۹۳). «اثربخشی درس پژوهی بر خودکارآمدی تصویری معلمان». مجله دست آوردهای روانشناختی دانشگاه چمران اهواز، دوره ۴، سال ۲۱، شماره ۲.
- [۳] حوریزاد، بهمن (۱۳۸۹). «بررسی تأثیر درس پژوهی خلاقیت محور بر توسعه توانمندیهای حرفه ای معلمان و یادگیری رفتار خلاق معلمان و دانش آموزان». فصلنامه فرهنگ مشاوره، دوره جدید، سال اول، شماره ۱.
- [۴] سلیمانی، اسماعیل و احمدی، حسن (۱۳۹۵). «شناسایی موانع موجود برای اجرای درس پژوهی؛ مطالعه موردی مدارس ابتدایی آموزش و پرورش شهر اردبیل». فصلنامه علمی - پژوهشی تدریس پژوهی، سال ۵، شماره ۱.
- [۵] محمد جانی، ابراهیم و اسماعیل (۱۳۹۴). «شناسایی موانع اجرای طرح درس پژوهی و ارائه راهکارهای اجرایی آن در مدارس». اولین همایش ملی مدیریت، علوم تربیتی، روانشناسی و مطالعات آموزش و پرورش اسفند ماه ۱۳۹۴.
- [۶] نامداری پژمان، مهدی و دیگران (۱۳۹۶). «اثربخشی برنامه درس پژوهی بر مهارتهای حرفهای معلمان شاغل در آموزش و پرورش استثنایی استان همدان». مجله رویکردهای نوین آموزشی دانشکده ی علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه اصفهان. سال دوازدهم، شماره ۲.